

بسم الله الرحمن الرحيم

معناشناسی (۱)

دکتر علیرضا قائمی نیا

پاییز ۱۳۹۹

درسمه دانشگاه
علوم قرآن و حدیث

قائمی نیا، علیرضا، -

معناشناسی (۱) / علیرضا قائمی نیا. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹.
پانزده، ص ۲۵۸. مصور. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۴۳: قرآن پژوهی؛ ۷۴)
بها: ۳۴۰۰۰۰ ریال
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه، ص. [۲۴۷] - ۲۵۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.

۱. معنی شناسی. ۲. Semantics. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۴۰۱/۴۳

P۳۲۵

شماره کتابشناسی ملی

ISBN: 978-600-298-321-3

۷۳۵۹۳۵۵



معناشناسی (۱)

مؤلف: دکتر علیرضا قائمی نیا (عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

ناظر: دکتر علی فتحی (عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

ویراستار: سعیدرضا علی عسکری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه آرای: تحریر اندیشه

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۹

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۳۴۰۰۰ تومان

این اثر با حمایت مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور تدوین شده و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

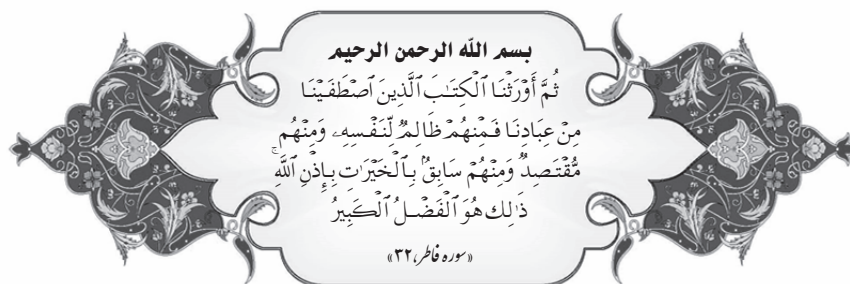
(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۵-۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶



سخن مرکز

علوم قرآن و حدیث، رشته دیرپای دانشگاهی است که عزت انتساب آن به قرآن کریم و حدیث شریف موجب شده تا جامعه، انتظارات علمی، ارزشی و حتی عاطفی ویژه‌ای از آن داشته باشد. از این رو «مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور» با هدف تحول و تعالی نظام تولید علم و تربیت نیروی انسانی قرآنی متناسب با نیاز کنونی جامعه اسلامی، بازنگری و تجمیع برنامه‌های درسی دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث را در دستور کار قرار داد.

انجام این مأموریت با مشارکت صاحب‌نظران علوم قرآن و حدیث و زمینه‌های مرتبط، پنج سال به طول انجامید که حاصل آن، برنامه درسی مشتمل بر ۱۰۰ واحد مشترک و شش مجموعه اختیاری ۳۵ واحدی با عناوین «مطالعات قرآن»، «مطالعات حدیث»، «تربیت دبیر آموزش قرآن و حدیث»، «تربیت مربی آموزش قرآن و حدیث»، «هنرهای قرآنی (قرائت و کتابت)» و «فرهنگ و رسانه» است.

نقشه راه این تحول ضروری می‌نمود که درسنامه‌های رشته نیز، طراحی و تدوین شود. این کار با شناسایی و جلب مشارکت استادان بسیاری از گروه‌های آموزشی کشور و با مدیریت «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «دانشگاه قرآن و حدیث» انجام شد.

این اقدامات، نخستین گام در ارتقای محتوا و انسجام درونی این رشته بود که بی‌گمان از نقص و نارسایی مبرا نیست. امید می‌رود این برنامه و درسنامه‌های آن مورد عنایت استادان و دانشجویان گرامی قرار گیرد و با نظرات مشفقانه و انتقال تجربیات اجرایی آن، این مرکز را در بازنگری مجدد برنامه کارشناسی و بازطراحی مقاطع تحصیلات تکمیلی همراهی کنند.

مرکز هماهنگی و توسعه
پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۴۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به‌عنوان کتاب درسی «معناشناسی ۱» برای دانشجویان رشته کارشناسی علوم قرآن و حدیث در مقطع کارشناسی فراهم شده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های نویسنده محترم اثر، حجت‌الاسلام‌والمسلمین علی‌رضا قائمی‌نیا و نیز از ناظر محترم اثر، حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر علی فتحی سپاسگزاری کند.

همچنین از نقش حمایتی مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور و تلاش‌های اعضای محترم کارویژه مدیریت تدوین درسنامه‌های قرآنی و همه عزیزانی که در آماده‌سازی و انتشار این اثر نقش داشته‌اند؛ سپاسگزاری می‌شود.

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱
درس ۱: چیستی و تاریخچه و مفاهیم پایه	
مقدمه	۵
دو کاربرد «زبان»	۶
ویژگی‌های زبان	۷
۱. مجموعه‌ای از علامات	۷
۲. وضع	۷
۳. دلخواهی	۸
۴. نظام	۹
۵. خلاقیت نامحدود	۱۰
۶. ساخت دوگانه	۱۰
۷. تقطیع‌پذیری	۱۱
۸. تنوع گونه‌های زبان	۱۲
نقش‌های زبانی	۱۲
تعریف معناشناسی	۱۴
پیشینه در جهان اسلام	۱۵
پیشینه در غرب	۱۹
معناشناسی و دانش‌های مرتبط	۲۱
سطوح معنا	۲۳
یک (معنای عبارتی)	۲۳
دو (معنای پاره‌گفتاری)	۲۴
سه (معنای ارتباطی)	۲۶
اقسام معنا	۲۷

- خلاصه درس ۲۹
- پرسش‌ها ۳۱
- تمرین ۳۱

درس ۲: زبان و دانش‌های مرتبط

- مقدمه ۳۳
- تعریف زبان‌شناسی ۳۳
- معناشناسی و کاربردشناسی ۳۵
- کنش گفتاری ۳۶
- اقسام کنش‌های گفتاری ۳۸
- تفاوت ۴۰
- شاخه‌ها و تقسیمات ۴۱
- روش‌ها در زبان‌شناسی ۴۳
- جدول مسائل و روش‌ها و شاخه‌های زبان‌شناسی ۴۳
- روش‌ها ۴۳
- آواها ۴۳
- ساختمان کلمه ۴۳
- ساختمان جمله ۴۳
- معناشناسی ۴۳
- زبان‌شناسی توصیفی (در یک سطح زبانی خاص) ۴۳
- توصیف آوایی پژوهش‌های توصیفی آوایی ۴۳
- صرف = مورفولوژی ۴۳
- توصیفی ۴۳
- فرهنگ‌های یک سطح زبانی ۴۳
- روش تاریخی ۴۳
- پژوهش تاریخی آوایی ۴۳
- فرهنگ‌های تاریخی ۴۳
- روش‌های تطبیقی (در زبان‌هایی از یک خانواده زبانی) ۴۳
- فرهنگ‌های اشتقاقی ۴۳
- روش مقابله‌ای (در دو زبان) ۴۳
- فرهنگ‌های دوزبانه بررسی مقابله‌ای معناشناختی ۴۳
- نشانه‌شناسی ۴۴
- خلاصه درس ۴۶
- پرسش‌ها ۴۸
- تمرین ۴۸

درس ۳: رابطه معناشناسی با تفسیر

۴۹	مقدمه.....
۴۹	چیستی تفسیر.....
۵۱	پیشینه معناشناسی در تفسیر.....
۵۳	مبانی معناشناختی روش‌های تفسیری.....
۵۵	نظریات معناشناختی و تفسیر.....
۵۵	کارکردهای معناشناسی نوین در تفسیر.....
۵۵	۱. تأثیر مکاتب و جریان‌ها.....
۵۶	۲. تحلیل میدان‌های معنایی.....
۶۰	۳. روابط همنشینی و جانشینی.....
۶۴	۴. تفکیک معنای اساسی از معنای نسبی.....
۶۵	۵. تفکیک واژگان کلیدی از غیرکلیدی.....
۶۶	۶. کشف جهان‌بینی قرآن.....
۶۷	۷. نظام‌مندی.....
۶۹	پاسخ به انتقادات.....
۶۹	۱. نسبی‌گرایی.....
۷۰	۲. مسئله ظهور.....
۷۱	۳. منشأ غربی.....
۷۲	۴. اومانسیم.....
۷۳	۵. بسندگی نداشتن در تبیین متون مقدس.....
۷۳	○ خلاصه درس.....
۷۵	○ پرسش‌ها.....
۷۵	○ تمرین.....

درس ۴: روابط معنایی در واژگان (۱)

۷۷	مقدمه.....
۷۷	۱. شمول معنایی.....
۷۹	۲. هم‌معنایی (ترادف).....
۷۹	— ترادف اشاری.....
۸۰	— ترادف ارجاعی.....
۸۰	— ترادف ادراکی (شناختی).....
۸۱	— ترادف کامل.....
۸۳	۳. جزءواژگی.....
۸۳	۴. عضوواژگی.....
۸۴	۵. واحدواژگی.....

۸۴ هم‌آوا – هم‌نویسی
۸۵ تقابل معنایی
۸۶ ۱. تقابل تضایف (معکوس)
۸۷ ۲. تقابل مدرج
۸۷ ۳. تقابل تکمیلی (تقابل مکمل‌ها)
۸۸ ۴. تقابل جهت‌ی
۸۹ ۵. تقابل تعبیری
۸۹ ۶. تقابل واژگانی
۸۹ ۷. تقابل در معنای مجازی
۹۰ ۸. تقابل در نمای مفهومی
۹۱ ○ خلاصه درس
۹۳ ○ پرسش‌ها
۹۳ ○ تمرین

درس ۵: روابط معنایی در واژگان (۲) (نشانداری و بی‌نشانی)

۹۵ مقدمه
۹۵ تاریخچه
۹۶ ملاک نشانداری
۹۶ نشانداری
۹۷ اقسام نشانداری
۹۷ ۱. نشانداری صوری
۹۸ ۲. نشانداری توزیعی
۱۰۰ ۳. نشانداری معنایی
۱۰۱ ۴. نشانداری موقعیتی
۱۰۲ ۵. نشانداری التزامی
۱۰۴ ○ خلاصه درس
۱۰۴ ○ پرسش‌ها
۱۰۵ ○ تمرین

درس ۶: روابط مفهومی جملات

۱۰۷ مقدمه
۱۰۷ ۱. هم‌معنایی
۱۱۰ ۲. تضاد معنایی
۱۱۱ ۳. شمول معنایی
۱۱۲ ۴. هم‌شمول معنایی

۱۱۳	۵. استلزام معنایی
۱۱۴	پیش فرض معنایی
۱۱۶	۷. همان گویی
۱۱۷	۸. تناقض معنایی
۱۱۹	۹. چندمعنایی
۱۲۱	○ خلاصه درس
۱۲۳	○ پرسش‌ها
۱۲۴	○ تمرین

درس ۷: مؤلفه‌های معنایی

۱۲۵	مقدمه
۱۲۸	تحلیل مؤلفه‌ای
۱۲۸	۱. روابط مفهومی میان واژگان
۱۲۹	۲. ویژگی‌های دوگانه
۱۲۹	۳. قواعد حشوی
۱۳۰	نظریه معنایی کتز
۱۳۱	۱. فرهنگ لغت
۱۳۲	۲. قواعد انتساب
۱۳۵	معناشناسی مفهومی
۱۳۶	مقوله رویداد و وضع
۱۳۹	مقوله «چیز»
۱۴۰	ویژگی‌ها و روش کاربست
۱۴۲	○ خلاصه درس
۱۴۳	○ پرسش‌ها
۱۴۴	○ تمرین

درس ۸: ابهام و انگیزش معنایی

۱۴۵	مقدمه
۱۴۶	انگیزش
۱۴۶	اقسام انگیزش
۱۴۶	۱. انگیزش آوایی
۱۴۷	۲. انگیزش ساختی
۱۴۸	۳. انگیزش معنایی
۱۴۹	ابهام
۱۴۹	۱. ابهام واژگانی

۱۵۰	۲. ابهام ساختاری
۱۵۲	۳. ابهام گروهی
۱۵۴	ابهام گشتاری
۱۵۴	ابهام در قلمرو
۱۵۵	ابهام سیاقی
۱۵۶	تغییر معنا با سیاق
۱۵۸	ابهام مصداقی
۱۵۹	○ خلاصه درس
۱۶۱	○ پرسش‌ها
۱۶۱	○ تمرین

درس ۹: شاخص‌ها

۱۶۳	مقدمه
۱۶۵	تعریف
۱۶۵	اقسام
۱۶۵	۱. شاخص‌های شخصی
۱۶۷	۲. شاخص‌های مکانی
۱۶۷	۳. شاخص‌های زمانی
۱۶۷	۴. شاخص‌های گفتاری
۱۶۸	ابهام در شاخص
۱۶۹	○ خلاصه درس
۱۷۰	○ پرسش‌ها
۱۷۰	○ تمرین

درس ۱۰: قرائن و راه‌های ابهام‌زدایی

۱۷۱	مقدمه
۱۷۱	قرائن
۱۷۲	اقسام قرائن
۱۷۳	۱. قرائن لفظی
۱۷۳	۱. قرینه اعراب
۱۷۴	۲. قرینه ترتیب
۱۷۴	۳. قرینه ادات
۱۷۵	۴. قرینه مطابقت
۱۷۶	۵. قرینه ربط
۱۷۶	۶. قرینه صنف کلمه

۱۷۷	۷. قرینه صیغه
۱۷۸	۸. قرینه اقتضای نقشی
۱۷۸	۹. قرینه نمونه‌های تعیین شده
۱۷۹	۱۰. قرینه وقف
۱۸۰	۱۱. قرینه لحن و آهنگ
۱۸۰	۲. قرائن معنوی
۱۸۲	نقش‌های سه‌گانه
۱۸۳	نقش‌های معناشناختی
۱۸۴	نقش‌های کاربردشناختی
۱۸۶	○ خلاصه درس
۱۸۷	○ پرسش‌ها
۱۸۸	○ تمرین

درس ۱۱: معنا و سیاق متنی

۱۸۹	مقدمه
۱۸۹	تعریف سیاق
۱۹۰	تأثیر معناشناختی سیاق
۱۹۴	عوامل تعیین سیاق متنی
۱۹۵	۱. پیوستگی
۱۹۶	۲. ارجاع
۱۹۷	۳. جایگزینی
۱۹۸	۴. حذف
۱۹۹	عناصر پیوستگی و انسجام واژگانی
۲۰۰	اصول تفسیری ناظر به سیاق
۲۰۴	○ خلاصه درس
۲۰۶	○ پرسش‌ها
۲۰۶	○ تمرین

درس ۱۲: سیاق برون‌متنی

۲۰۷	مقدمه
۲۰۸	اقسام سیاق بیرونی
۲۰۸	۱. سیاق فرهنگی
۲۱۰	۲. اوضاع و احوال موقعیت
۲۱۲	۳. دستیارهای سخن
۲۱۴	۴. سیاق کنش‌گفتاری

۲۱۶	۵. سیاق روانی
۲۱۸	○ خلاصه درس
۲۱۹	○ پرسش‌ها
۲۲۰	○ تمرین

درس ۱۳: تغییر معنا

۲۲۱	مقدمه
۲۲۱	اقسام تحول و تغییر
۲۲۳	علل تغییر معنا
۲۲۳	۱. نیازهای جدید
۲۲۴	۲. تحول فرهنگی و اجتماعی
۲۲۵	۳. ترفندهای زبانی
۲۲۶	۴. انحراف زبانی
۲۲۶	۵. انتقال مجازی
۲۲۷	۶. نوآوری
۲۲۸	اقسام تغییر معنا
۲۲۸	۱. توسعه معنا (تعمیم)
۲۲۹	۲. تضییق معنا
۲۳۰	۳. نقل معنا
۲۳۰	۴. تغییر به پایین‌تر
۲۳۰	۵. تغییر به بالاتر
۲۳۱	۶. تغییر به مدلول متضاد
۲۳۲	○ خلاصه درس
۲۳۳	○ پرسش‌ها
۲۳۴	○ تمرین

درس ۱۴: پیش‌فرض‌های معنایی و لوازم معنا

۲۳۵	مقدمه
۲۳۶	پیش‌فرض معنایی
۲۳۸	لوازم منطقی
۲۳۹	ثبات تحت نفی
۲۴۰	پیش‌فرض‌ها در ترکیب
۲۴۱	پیش‌فرض‌ها در آیات
۲۴۱	۱. پیش‌فرض‌های وجودی در آیات
۲۴۲	۲. پیش‌فرض‌های ناظر به واقع در آیات

۳. پیش فرض‌های غیرناظر به واقع در آیات ۲۴۲
۴. پیش فرض‌های واژگانی در آیات ۲۴۳
۵. پیش فرض‌های ساختاری در آیات ۲۴۳
۶. پیش فرض‌های خلاف واقع در آیات ۲۴۳
- خلاصه درس ۲۴۵
- پرسش‌ها ۲۴۶
- تمرین ۲۴۶

منابع

- منابع فارسی ۲۴۷
- منابع عربی ۲۴۹
- انگلیسی ۲۵۱

نمایه‌ها

- نمایه آیات ۲۵۳
- نمایه روایات ۲۵۵
- نمایه اصطلاحات ۲۵۶
- نمایه اشخاص ۲۵۸

پیشگفتار

در قرن بیستم، برخی دانش‌ها استقلال پیدا کردند که در فهم متن و تحلیل معنا، کاربرد گسترده‌ای دارند. متون دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. هر متنی در صدد انتقال دادن معنایی به خواننده است؛ البته همه متون در مرتبه و سطح واحدی قرار ندارند. متون ادبی، دسته و مجموعه‌ای خاص از متون را تشکیل می‌دهند که درون آن نیز زیرمجموعه‌های متفاوتی مانند متون شعر، نثر و... وجود دارند.

همچنین متون دینی مجموعه‌ای متفاوت از متون را تشکیل می‌دهند و انواع متفاوتی دارند و نمی‌توان همه را در یک سطح در نظر گرفت. می‌توان هر متن را یک جهان در نظر گرفت که واژگان و مفاهیم خاص خود را دارد و از جهان متن دیگر متمایز است. این متون، یا جهان‌های متون، شبکه‌ای از مفاهیم و طرح‌هایی نو در می‌افکنند و در صدد انتقال دادن معنا و تصویری خاص به خواننده خود هستند و از این رو، جهان جدیدی را به روی خواننده می‌گشاید.

در قرن بیستم، نظریات بسیار متنوعی درباره جهان متن و فهم خواننده، از آن مطرح شده است. برخی از این نظریات مدعی‌اند که متن با پشت سر نهادن بستر و زمینه تکوین و تألیف خود و غیاب نگارنده‌اش، حامل بی‌نهایت معنا می‌شود که در میان آنها ترجیحی در کار نیست. متن، معنای خاصی ندارد. پاسخ دادن به این پرسش که آیا متن، معنای خاصی دارد یا نه؟ و آیا متن معنایی بی‌نهایت را برمی‌تابد؟ بسیار اهمیت دارد. بسیاری از نزاع‌ها در زمینه‌های متفاوت بر سر معانی متون رخ می‌دهند و بی‌تردید، باید دلایل هر یک از نظریات متفاوت را سنجید.

باز درباره متون این پرسش نیز مطرح می‌شود که آیا فهم متون، با محدودیت‌های خاصی مواجه است، یا هیچ محدودیتی برای فهم معنای متون در کار نیست و بی‌نهایت فهم از یک متن

امکان‌پذیر است؟ معنای متن را باید با کدام معیارها و روش‌ها بفهمیم؟ مسئله تعدد، یا وحدت معنا و نیز مسئله تنوع، یا وحدت فهم‌ها تنها دو مسئله از انبوهی از مسائل ناظر به فهم متون هستند که در خور تأمل‌اند.

معناشناسی تنها یکی از دانش‌های تأثیرگذار در حل مسائل یاد شده بوده است. مسائل بسیار متنوعی در این دانش مطرح می‌شوند و نظریات گوناگونی در آن به چشم می‌خورند که در فهم معنای متن تأثیر دارند. البته، فهم متن، با معنای متن، تفاوت دارد؛ معنا، چیزی است که متن حامل آن است و فهم، کار فاعل شناسا است و ممکن است با این کار به معنای متن نائل شود. همچنین ممکن است فهم در حقیقت، فهم نادرستی باشد و فاعل شناسا، به معنای متن نرسد. بنابراین، فهم و معنا در حقیقت با هم تفاوت داشته، ولی ارتباط بسیار نزدیکی با همدیگر دارند. از این‌رو، در ذیل مسئله فهم متون، از معنای متون نیز بحث می‌شود.

معناشناسی یکی از شاخه‌های مهم زبان‌شناسی است که در قرن بیستم به استقلال رسید. این دانش به بررسی علمی معنا می‌پردازد و از این‌رو، «دانش معنا» نام گرفته است. اگر چه قدمت مباحث آن به دوره یونان می‌رسد و در میراث علمی مسلمانان و در علوم مختلف اسلامی؛ از قبیل علم اصول، فقه، فلسفه، عرفان و ادبیات، هم از همان اوائل مباحث و مسائل معناشناختی مطرح بوده، اما تدوین و طرح این دانش در عصر جدید تفاوت‌های مهمی با دوران گذشته دارد و نظام‌مندی و روش‌مندی و ابتنا بر مبانی زبان‌شناختی خاص، چهره جدیدی به آن داده است. در دهه‌های اخیر، این دانش تأثیر فراوانی در مطالعات دینی و فهم و بررسی متون دینی بر جای نهاده و تحقیقات معناشناختی گسترده‌ای بر پایه جریان‌ها و روش‌های معناشناختی در مطالعات قرآنی انجام گرفته است.

درس نامه پیش‌رو که برای رشته‌های علوم قرآنی و حدیث تدوین شده ویژگی‌هایی بدین شرح دارد:

۱. تلاش شده در مجموع دو جلد، مباحث مهم و کارآمد این دانش بیان شده، محورهای اصلی مباحث آشکار شوند.

۲. معمولاً در هر درسی یک آیه یا یک بحث علوم قرآنی به‌عنوان «بحث در کلاس» معرفی شده است که با ایده اصلی و مهم یکی از ایده‌های مهم آن ارتباط دارد و می‌تواند به‌عنوان کاربست آن ایده تلقی شود. بحث و مشارکت در این باره می‌تواند دانشجویان را به ضرورت مباحث معناشناسی در این رشته بیشتر آگاه سازد.

۳. درس‌ها از نظر دربر داشتن مباحث مختلف با هم تفاوت دارند و استادان گرامی می‌توانند با توجه به سطح علمی دانشجویان و اطلاعات زمینه‌ای آنها، به برخی درس‌ها بیشتر و به برخی کمتر توجه کنند.

امیدوارم استادان گرامی و دانشجویان عزیز، نگارنده را از کاستی‌های این اثر آگاه کنند تا با بهره‌گیری از نظریات درخور آنان به غنای اثر افزوده شود.

و ما توفیقی الا بالله العلیّ العظیم

درس ۱

چیستی و تاریخچه و مفاهیم پایه

اهداف درس:

آشنایی با زبان، ویژگی‌ها و نقش‌های آن و تعریف معناشناسی

مقدمه

انسان از همان زمانی که بر کره خاکی گام نهاد، در صدد بوده تا با هم‌نوعان خود ارتباط برقرار کند. او از ابزارهای مختلفی برای ارتباط با دیگران سود جست که زبان مهم‌ترین آنهاست. در زندگی روزمره از زبان برای ارتباط برقرار کردن با دیگران استفاده می‌کنیم و به کمک آن، مقاصد خود را به دیگران می‌رسانیم؛ اما زبان، تنها ابزار ارتباط با دیگران نیست. وقتی می‌خواهیم بیندیشیم یا چیزی را با خودمان تکرار کنیم، از زبان استفاده می‌کنیم. زبان فضایی است که انسان در آن تنفس می‌کند. زبان بخشی مهم، بلکه اساس زندگی آدمیان قرار گرفته است؛ همان‌گونه که ماهی، دور از آب حیاتی ندارد، زندگی اجتماعی انسان نیز بدون زبان، امکان‌پذیر نیست.

وجود زبان به اندازه‌ای بدیهی و آشکار است که ما حتی به وجود آن توجه نمی‌کنیم، چنان‌که نفس کشیدن ضروری و بدیهی است و به وجود و ضرورت آن توجه نداریم. وجود زبان در ارتباطات روزمره چنان گسترده و طبیعی است که به ندرت آن را موضوع درخور تحقیق و بررسی می‌دانیم. زبان امری همیشه در دسترس است. بلکه انسان همیشه در آن شناور است. اغلب آن را ناآگاهانه و بی‌هیچ تلاشی به کار می‌بندیم. یک کودک از زمان تولدش به تدریج با زبان آشنا می‌شود و آن را به کار می‌برد.

دو کاربرد «زبان»

ما گاه از زبان حیوانات هم سخن می‌گوییم. برای مثال، از زبان پرندگان و اینکه آنها چگونه با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. وجه مشترک، زبان حیوانات با زبان انسان در این است که همه آنها ابزارهایی برای ارتباط برقرار کردن هستند. حیوانات هم زبان خاصی برای ارتباط میان خود دارند و با همان زبان اطلاعاتی را به یکدیگر خبر می‌دهند. برای نمونه، آنها به کمک صداها و حرکات خاصی دیگران را از آمدن دشمن آگاه می‌سازند، یا به درد آمدن عضوی خاص را با رفتار خاصی نشان می‌دهند. این نکته نشان می‌دهد که ما اصطلاح «زبان» را در دو معنای مختلف، ولی مرتبط با هم به کار می‌بریم:

۱. زبان به معنای نشانه‌شناختی: زبان حیوانات را مجموعه‌ای از نشانه‌ها؛ اعم از اصوات و حرکات و رفتارها، تشکیل می‌دهد.

۲. زبان به معنای زبان‌شناختی: حیوانات زبان را به معنایی که انسان‌ها آن را به کار می‌برند، در اختیار ندارند. زبان بشر مجموعه‌ای از واژگان و دستورزبان و... را دربرمی‌گیرد. این زبان یک نظام را تشکیل می‌دهد. زبان حیوانات تنها مجموعه‌هایی از علائم و نشانه‌ها هستند و برای آنها واژگانی وضع شده و دستورزبان در بر ندارد. زبان‌شناسان از زبان بشر بحث می‌کنند و نشانه‌شناسان از دلالت‌های علائم و نشانه‌ها.

زبان‌شناسان برای تفاوت گذاشتن گذاشتن میان دو معنای «زبان»، زبان‌هایی را که آدمیان در ارتباط با یکدیگر به کار می‌برند «زبان طبیعی»^۱ نامیده و کوشیده‌اند تا ویژگی‌های آن را بیابند.

بحث در کلاس

در آیه شریفه: «وَوَرَّثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ» (نمل، ۱۶).

مراد از «منطق الطیر» (زبان پرندگان)، زبان به معنای نشانه‌شناختی است یا زبان به معنای زبان‌شناختی؟ چه قرآنی بر پاسخ از آیات به دست می‌آید؟

ویژگی‌های زبان

ویژگی‌های مهم زبان عبارت‌اند از: ۱. مجموعه‌ای از علامات؛ ۲. وضع؛ ۳. دلبخواهی؛ ۴. نظام؛ ۵. خلاقیت نامحدود؛ ۶. ساخت دوگانه؛ ۷. تقطیع‌پذیری؛ ۸. تنوع گونه‌های زبان. توضیح هر یک از این ویژگی‌ها خواهد آمد:

۱. مجموعه‌ای از علامات

زبان، پیش از همه، از مجموعه‌ای از علائم و نشانه‌ها تشکیل شده است. علامت^۲ به چیزی گفته می‌شود که بر چیزی دیگر دلالت می‌کند و به سخن دیگر، چیزی است که چیز دیگری را نشان می‌دهد.

الفاظ زبانی در حقیقت مجموعه‌ای از علامت‌هایند که معانی خاصی را نشان می‌دهند. هر لفظی را که آدمی به زبان می‌آورد، علامت نیست. بلکه، الفاظی که بر معنایی دلالت دارند علامت هستند.

۲. وضع

زبان حاصل «وضع» بشر است. نظام‌های زبانی و نشانه‌ای همه براساس «وضع» شکل گرفته‌اند. نشانه‌هایی که بر امور دیگر دلالت دارند بر سه دسته‌اند:

الف) دسته‌ای براساس طبیعت و ذات خود بر چیز دیگر دلالت دارند. این قسم، دلالت طبیعی نام دارد. در این نوع دلالت تنها در جایی است که بنا به طبع انسان، ملازمه و همراهی میان دو امر در کار است. مانند اینکه حالت‌های بدنی انسان بر حالت‌های طبیعی (مزاج انسانی) یا حالت‌های روحی و نفسانی انسان دلالت دارند. برای مثال، ضربان سریع قلب بر تب دلالت دارد، یا سرخی چهره بر خجالت و زردی آن بر ترس یا ضعف بدن.

ب) دسته‌ای براساس عقل دلالت دارند. این نوع، دلالت عقلی نام دارد. مانند دلالت دود بر آتش و دلالت جای پا بر کسی که از جایی گذر کرده است.

دلالت عقلی در جایی تحقق می‌یابد که میان وجود دال و مدلول در خارج ملازمه واقعی و

۱. ر.ک: یول، نگاهی به زبان، ص ۲۶-۳۶ و نیز: علی، المعنی و ظلال المعنی، ص ۳۴-۴۰.

حقیقی در کار باشد. از این رو، این نوع ملازمه از حدود اختیار انسان بیرون است. چنان‌که دود در خارج واقعاً بر آتش دلالت دارد.

ج) دسته‌ای هم براساس وضع بشر دلالت دارند. دلالت واژه‌ها بر معانی از این قبیل است. آدمیان واژه‌ها را برای معانی مختلفی وضع می‌کنند. این نوع دلالت، دلالت وضعی نام دارد. سبب این نوع دلالت وضع و قرارداد میان انسان‌هاست؛ بدین معنا که آنها چیزی را علامت و نشانه چیز دیگر قرار می‌دهند.

نباید گمان کرد که دلالت وضعی با زبان یکی است و هر نوع دلالت وضعی با واژه‌ها صورت می‌گیرد؛ بلکه این نوع دلالت بر دو قسم است: زبانی و غیرزبانی. زبانی، مانند وضع واژه‌ها و غیرزبانی، مانند دلالت لباس سیاه بر ماتم و عزا؛ و دلالت چراغ قرمز بر توقف خودروها.

۳. دلخواهی

کاربران زبان برای برخی الفاظ، معانی‌ای را در نظر می‌گیرند و برخی دیگر را بی‌معنا و مهمل می‌دانند. چرا آنها برای برخی الفاظ معانی را قرار داده و برخی دیگر را مهمل و بی‌معنا دانسته‌اند؟ از این گذشته، چرا لفظ خاصی را برای معنای معینی قرار داده‌اند؟ برای مثال، لفظ «میز» را برای میز و «صندلی» را در برابر صندلی قرار داده‌اند؟ روشن است که برای هر یک از آنها می‌توانستند الفاظ دیگری را قرار دهند. آیا دلایل خاصی برای ترجیح یک لفظ بر لفظ دیگر در کار است؟ زبان‌شناسان در این پاسخ به این قبیل پرسش‌ها به دلخواهی (اعتباطی) بودن زبان اشاره کرده‌اند.

از قدیم تا همین اواخر همواره این بحث در فلسفه زبان مطرح بوده که آیا ظاهر کلمات با معانی آنها ارتباط دارد یا نه. برای نمونه، آیا دلیلی دارد که به این صفحه که من جملات خود را بر آن نوشته‌ام در زبان فارسی «کاغذ» می‌گویند؟ آیا رابطه‌ای ذاتی میان ویژگی‌های این شیء خارجی و ویژگی‌های صوتی کلمه «کاغذ» وجود دارد که به این نام‌گذاری انجامیده است؟ فلاسفه هم به دو گروه تقسیم می‌شدند: طبیعت‌گرایان و قراردادگرایان. طبیعت‌گرایان^۱ معتقد بودند میان لفظ و معنای کلمه پیوندی طبیعی وجود دارد و به این اعتبار، کلمات خود به خود بیان‌کننده و دربردارنده معنای خود هستند. قراردادگرایان^۲ نیز معتقد بودند پیوند میان لفظ و

1. naturalists

2. conventionalists

معنای کلمه یک پیوند طبیعی نیست، بلکه یک پیوند قراردادی است که منشأ آن را باید در تصادف، سنت و عواملی از این دست جستجو کرد. طرفداران دلبخواهی بودن زبان جزء قراردادگرایان هستند و برخلاف طبیعت‌گرایان، پیوند لفظ و معنا را ذاتی نمی‌دانند.

۴. نظام

زبان، یک نظام^۱ است. نشانه‌های زبانی صرفاً مجموعه‌ای از واژه‌ها نیستند، بلکه عناصری از یک نظام درهم تنیده‌اند که در بسیاری از موارد، فهم آنها بدون توجه به روابطشان با دیگر عناصر امکان‌پذیر نیست. برای مثال، در واژه «قرمز» باید به دو چیز توجه داشته باشیم: الف) به محدوده کاربرد این واژه. به دیگر سخن، باید توجه داشته باشیم این واژه در چه مواردی به کار می‌رود؛ ب) باید به رنگ‌های دیگر که با «قرمز» تفاوت دارند هم توجه کنیم. در منطق که گفته‌اند: «تُعرف الأشياء باضدادها» بیانگر همین نکته است که کاربران زبان، وقتی این واژه را به کار می‌برند معمولاً به این دو نکته توجه دارند و می‌دانند کجا «قرمز» را به کار ببرند و در مقابل آن کدام واژه‌هایی را به کار گیرند.

به همین دلیل، سوسور، ادعا کرده است که معنا زاییده تقابل است. برای مثال، ما جمله «هوا گرم است» را از راه تقابل آن با جملات ذیل می‌فهمیم:

۱. هوا سرد است؛ ۲. هوا داغ است؛ ۳. هوا خنک است.

کاربران زبان، با توجه به این تقابلهای، می‌فهمند که در کدام موقعیت جمله (۱) یا (۲) یا (۳) را به کار ببرند. تقابلهای زبانی در ذهن کاربران حضور دارند و به کمک آنها معنا را می‌فهمند. زبان، نظامی از تقابلهاست و کاربران زبان، زمانی به این نظام راه می‌یابند که با تقابلهای درون آن آشنا شوند.

توجه به این نکته ضروری است که در نظام زبان سه دسته عناصر وجود دارند:

۱. تعداد محدودی واژه‌های اولیه؛

۲. قواعد تکثیر واژه‌ها؛ یعنی قواعدی برای صرف واژه‌ها و قواعدی برای ترکیب واژه‌ها برای

به دست آوردن واژه‌های مرکب. به‌عنوان، قواعد صرف افعال در زبان عرب جزو این دسته

1. system

هستند. یا قواعد ترکیب دو اسم؛ مانند «آب» و «راه»، برای به دست آوردن کلمه مرکب «آبراه» در زبان فارسی جزء این دسته هستند؛

۳. قواعد ترکیب ساختی؛ یعنی قواعدی برای ساختن جملات و ترکیبات خوش ساخت برای به دست آوردن جملات از واژه‌ها. (مراد از ترکیبات خوش ساخت، ترکیباتی هستند که مطابق قواعد دستور زبان به دست آمده‌اند).

۵. خلاقیت نامحدود

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زبان انسان خلاقیت نامحدود آن است. ساختار زبان‌های انسانی به گونه‌ای است که قادر هستند با استفاده از مقدار محدودی واژگان، تعداد نامحدودی جمله بسازند. این جمله‌ها طبق قواعد مشخصی و براساس ساختار نحوی خاص هر زبان ساخته می‌شوند. اما تعداد جمله‌هایی که از این واژه‌های محدود می‌توان ساخت، نامحدود است؛ همان‌گونه که تعداد اعدادی که از ده رقم اصلی صفر تا نه می‌توان ساخت مجموعه نامحدودی را تشکیل می‌دهد. ما این خلاقیت نامحدود را در هیچ یک از نظام‌های ارتباطی حیوانات نمی‌یابیم. به دیگر سخن، نظام‌های ارتباطی جانوران خاصیت نحوی ندارند، بلکه به تعداد عناصر سازنده آنها، واحدهای جداگانه‌ای هستند که هر کدام در ارتباط با موقعیت خاصی به گونه مستقل به کار می‌روند.

۶. ساخت دوگانه

ویژگی دیگری که مختص زبان انسان است و در نظام‌های ارتباطی جانوری قرینه‌ای ندارد، خصوصیتی است که زبان‌شناسان به آن ساخت دوگانه، یا تجزیه دوگانه می‌گویند. در همه زبان‌های انسانی، این قابلیت وجود دارد که بتوان جمله‌های پیچیده و نامحدود آن را به عناصر معنادار که گاه واژه و گاه جزئی از یک واژه هستند و به زبان فنی به آنها تک واژه می‌گویند، تقسیم کرد. این عناصر معنادار نیز از شمار معدودی صدا که زبان‌شناسان آنها را «واج» می‌نامند، ساخته شده‌اند و جابه‌جایی یا ترکیب‌های متفاوت این صداهاست که واژگان یا مجموعه واژه‌های زبان آن را می‌سازد. برای مثال، تعداد این صداها در زبان فارسی ۳۲ عدد (یا طبق توصیف دیگری ۳۳ عدد است). در زبان‌های دیگر نیز چند عدد بیشتر یا کمتر است. برای نمونه، هر فارسی زبان می‌داند که «روز» و «زور» دو کلمه متفاوت با معانی مختلف

هستند. اما از لحاظ زبان‌شناسی تفاوت آنها صرفاً در این است که صدای اول و آخر آنها با یکدیگر جابه‌جا شده‌اند. همچنین، طبق فهم هر فارسی‌زبان، دو کلمه «ماه» و «مار» نه تنها دو کلمه متفاوت هستند، بلکه هیچ‌گونه پیوند معنایی ندارند. بنابراین، از نظر زبان‌شناسی تفاوت آنها فقط در این خلاصه می‌شود که این دو واژه از مجموعه ۲۹ عضوی صداهای زبان فارسی دو واحد صوتی متفاوت از یکدیگر را برای صدای پایانی خود برگزیده‌اند. برخی زبان‌شناسان این ساخت دوگانه را مهم‌ترین ویژگی زبان انسان می‌شمارند و این دقیقاً همان چیزی است که در نظام‌های ارتباطی حیوانات نمی‌توان قرینه‌ای برای آن یافت. در این ارتباط می‌توان گفت در اینکه نظام‌های ارتباطی جانوری با زبان انسان از لحاظ ماهیت متفاوت هستند، میان صاحب‌نظران اختلاف اصولی وجود ندارد.^۱

۷. تقطیع‌پذیری

نظام‌های نشانه‌ای، از آن جهت که نظام هستند، تقطیع پذیرند. البته این نظام‌ها از نظر پیچیدگی تفاوت دارند و پیچیدگی تقطیع با پیچیدگی نظام همراه است. به دیگر سخن، هر اندازه یک نظام نشانه‌ای پیچیده‌تر باشد، به همان اندازه تقطیع آن پیچیده‌تر است و هر قدر ساده‌تر باشد به سادگی تقطیع می‌شود. برای نمونه، در نظام عبور و مرور (علائم راهنمایی و رانندگی) یک نظام بسیار ساده هست که در آن، دایره، یک دلالت خاص و مثلث، دلالت خاص دیگری دارد. همچنین، در این نظام رنگ‌هایی مانند سبز و قرمز و زرد دلالت‌های خاصی دارند. زبان پیچیده‌ترین نظام نشانه‌ای است و از این رو، تقطیع آن بسیار دشوار است. معمولاً دو نوع تقطیع در زبان به چشم می‌خورد: تقطیع نخست، تقطیع به واژه‌ها و تک واژه‌ها؛ تقطیع دوم، تقطیع به واج‌ها.

تقطیع نخست: واحدهای بانی به واژه‌ها و واژک‌ها^۲ تقسیم می‌شوند.

معمولاً زبان‌شناسان تحلیل‌های خود را روی واژک‌ها انجام می‌دهند؛ زیرا تحلیل‌ها بر روی آنها دقیق‌تر انجام می‌شوند. البته پیدا کردن واژک‌ها در همه زبان‌ها ساده نیست. برای نمونه، در زبان عربی، که زبان اشتقاقی است و اعراب دارد، این کار بسیار دشوار است.

۱. باطنی، درباره زبان (مجموعه مقالات)، ص ۲۰-۲۱.

در زبان عربی کلماتی از قبیل «لا» و «ان» و حروف جرّ و حروف عطف و... جزء واژک‌ها به شمار می‌آیند. یا در کلماتی که حرف تعریف دارند، مانند «الضارب» و «المعلم»، واژه‌ای داریم که تک واژه هم دارد؛ «ال» در این کلمات تک واژه است.^۱

تقطیع دوم: نوع دیگری از تقطیع در زبان‌ها امکان‌پذیر است که تقطیع دوم^۲ نام گرفته است. در این تقطیع، واژه‌ها به حروف بی‌صدا و صدادار تقسیم می‌شوند. برای مثال، «ضَرَبَ» از سه حرف صامت (بی‌صدا)؛ یعنی سه حرف (ض. ر. ب) و سه صدادار (سه فته) تشکیل شده است.

۸. تنوع گونه‌های زبان

یکی از ویژگی‌های دیگر زبان طبیعی، وجود تنوع گونه‌های زبان است. وضعیت زمانی، مکانی، اجتماعی و... در پیدایش گونه‌های مختلف یک زبان دخالت دارند. برای نمونه، در زبان عربی گونه‌های زبانی بسیاری وجود دارند. این گونه‌ها هم تنوع زمانی دارند؛ یعنی در طول زمان واژه‌ها تغییر می‌کنند و واژه‌های جدیدی پیدا می‌شوند. تعبیرها و ساختارهای دستوری جدیدی پیدا می‌شود. همچنین، در مکان‌های مختلف زبان عربی تنوع خاصی پیدا می‌کند. سوسور، بنیان‌گذار زبان‌شناسی نوین، میان دو نگاه به زبان، تفاوت می‌گذاشت: الف) نگاه در زمانی (تاریخی)؛ ب) نگاه هم‌زمانی (مقطعی).

زبان یک پدیده دارای تحول است، از دیدگاه سوسور، نگاه تاریخی برای فهم زبان کفایت نمی‌کند، باید نگاه مقطعی هم داشته باشید. باید نگاه تاریخی را با نگاه مقطعی تکمیل کنید. به نظر سوسور، معنا در نگاه مقطعی پیدا می‌شود؛ تا برش مقطعی انجام ندهید، معنای واژه را متوجه نمی‌شوید.

با توجه به اینکه زبان هویت تاریخی دارد، در طول زمان گونه‌های جدیدی در یک زبان پدید می‌آیند و در یک مقطع هم تنوع در زبان پیدا می‌شود.

نقش‌های زبانی

به نظر یاکوبسن، زبان شش نقش دارد که عبارت‌اند از: نقش تعبیری (عاطفی)، نقش ترغیبی،

۱. برای تفصیل بیشتر ر.ک: علی، المعنی و ظلال المعنی، ص ۵۸-۶۲.

نقش ارجاعی، نقش فرازبانی، نقش همدلی و نقش ادبی. هریک از این نقش‌ها با یکی از این ارکان مرتبط است. به طور خلاصه، آنها را بیان می‌کنیم:^۱

۱. نقش تعبیری (عاطفی): در این نقش زبان، جهت‌گیری پیام، به سمت گوینده است. در مواردی که گوینده احساسات خود را بیان می‌کند، زبان چنین نقشی را ایفا می‌کند. همچنین، در عبارت‌های تعجبی زبان این نقش را ایفا می‌کند.

۲. نقش ترغیبی: در این نقش، جهت‌گیری پیام به سوی مخاطب است؛ جملات امری نقش ترغیبی دارند. برای مثال، وقتی کسی می‌گوید: «در را ببند»، زبان نقش ترغیبی دارد.

۳. نقش ارجاعی: در این نقش، جهت‌گیری پیام به سوی موضوع پیام است؛ در این نقش زبان می‌تواند ارزش صدق و یا کذب داشته باشد. در جمله‌های اخباری، پیام به امری خارج از خود پیام معطوف است و زبان این نقش را ایفا می‌کند. برای نمونه، در جمله «باران می‌بارد»، پیام درباره وضعیت از جهان خارج است و به آن ارجاع دارد.

۴. نقش فرازبانی: گاهی زبان، به خود کدهای زبانی مربوط می‌شود؛ یعنی جهت‌گیری پیام به سوی خود کدهاست. در چنین موردی زبان برای سخن گفتن درباره خود زبان به کار می‌رود. این کارکرد در مراحل یادگیری زبان برجسته می‌شود. برای مثال، در جمله «کلمه بیولوژی، به معنای زیست‌شناسی است»، زبان کارکرد فرازبانی دارد.

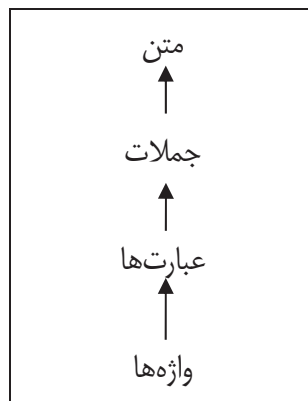
۵. نقش همدلی: در این نقش، جهت‌گیری پیام به سوی کانال و مجرای ارتباطی است. برای نمونه نمونه، وقتی گوینده می‌خواهد از سالم بودن مجرای ارتباطی مطمئن باشد، زبان، این نقش را ایفا می‌کند. برای مثال، وقتی کسی به هنگام گفتگو با تلفن می‌گوید: «الو، آیا صدایم را می‌شنوی؟»، او می‌خواهد از عملکرد مجرای ارتباطی اطمینان یابد. به اعتقاد یاکوبسن، تنها کارکرد زبان پرندگان، کارکرد همدلی است.

۶. نقش ادبی: در نقش ادبی، جهت‌گیری پیام به سوی خود پیام است. به دیگر سخن، مخاطب به جای محتوای پیام، به شکل آن توجه می‌کند. این کارکرد در شعر مشهود است.

۱. ر. ک: قائمی‌نیا، بیولوژی نص، ص ۹۱-۹۵.

تعریف معناشناسی

معناشناسی^۱ را «دانش معنا» نامیده‌اند؛ یعنی دانشی که معنا را به‌طور علمی بررسی می‌کند. مراد از معناشناسی در این مورد، معناشناسی زبانی است؛ یعنی دانشی که معنا را در زبان به‌طور عملی بررسی می‌کند.^۲ در زبان واحدهای مختلفی داریم. برای مثال، واژه یک سطح از واحدهای زبانی را تشکیل می‌دهد. همچنین، جملات سطح دیگر زبان را تشکیل می‌دهند، و سطح دیگر زبان را متن تشکیل می‌دهد.



در هر یک از سطوح زبان، ما از معنا بحث می‌کنیم؛ یعنی از معنای واژه‌ها، عبارت‌ها، جملات و متون بحث می‌کنیم. بنابراین، «معناشناسی زبانی» معنا زبانی را در هر یک از سطوح بررسی علمی می‌کند. به دیگر سخن، معناشناسی، مانند هر دانش دیگر قواعد و ضوابطی را به دست می‌دهد که به کمک آنها معنا را در هر یک از سه سطح چگونه تعیین کنیم.

بررسی علمی: گفتیم معناشناسی «معنا» را به‌طور علمی بررسی می‌کند. مراد از بررسی علمی این است که:^۳

الف) از پیش فرض‌های پژوهشگر تأثیر نپذیرد؛ ب) به شکل صریح و دقیق گزارش شود تا قابل ارزیابی شود.

روشن است که اگر یک بررسی از سوی پیش فرض‌های پژوهشگر شکل بگیرد، علمی

1. Semantics

۲. ر.ک: صفوی، فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی، ص ۹۸-۹۹.

۳. ر.ک: صفوی، آشنایی با معنی‌شناسی، ص ۱۴-۱۵.